



## چاپ و انتشار و مطالعه در لبنان و کشورهای عربی

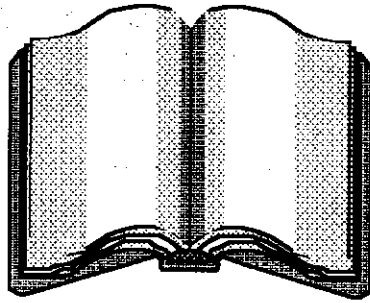
رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق

بر تعداد فارغ التحصیلان و روشنفکران و محققین کشورهای عربی افزوده شد و از آنجا که لبنان را (علی رغم جنگ ویرانگر داخلی) بهترین پناهگاه تحقیقات و آزادترین مکان چاپ نوشته‌های خود می‌دیدند، به سوی آن روی آوردند، و لذا تولید فکری و اندیشه منجر به گسترش کمی و کیفی انتشارات آن گردید؛ به طوری که در حال حاضر، بیش از ششصد مؤسسه انتشاراتی در این کشور کوچک سه میلیونی، پروانه کار دارند، اما به علت وضعیت ناگوار اقتصادی و کاهش شدید نرخ پول رسمی آن، کمتر از نیمی از آنها به چاپ و نشر کتاب به طور فعال مشغولند و بقیه، به طور پراکنده در این زمینه با مشکلات فراوان، خود را با شرایط روز وفق می‌دهند.

بدون تردید آزادی مطبوعات و انتشارات قلم و بیان که از ابتدا در لبنان به طور نهادینه وجود داشته و آن را از دیگر سرزمینهای عربی متمایز ساخته، موجب درخشش و کارنامه موفق انتشارات آن در سطح منطقه شده است. اما به علت بروز مشکلات فزاینده‌ای که این کشورها در ابعاد مختلف دچار آن گشتند، نتیجه منفی آن بر کلیه بخشها، از جمله موضوع مطالعه و ارتقای دانش و معلومات و کتابخوانی ظاهر شده است؛ به طوری که در حال حاضر، این کشورها به بحران مطالعه مبتلا شده‌اند: یا اصلاً کسی رغبتی به مطالعه ندارد و یا اگر دارد، در رشته خاصی وارد می‌شود. به عنوان مثال، هم اکنون پنج درصد از لبنانیها به طور جدی مطالعه می‌کنند و بقیه، مطالعه را یک نوع سرگرمی می‌دانند و به کتاب به عنوان یک کالای تجاری و

در دهه پنجاه و شصت معادله‌ای در محافل مطبوعاتی-انتشاراتی بر سر زبانها بود که کتاب در مصر تألیف می‌شود و در بیروت چاپ و می‌گردد و عاقبت در عراق خوانده می‌شود! اما امروزه این معادله به علت شرایط و تحولات جدید در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی جهان عرب، به کلی دگرگون شده و شکل تازه‌ای به خود گرفته است. چه، کتاب در بیروت تألیف و چاپ می‌شود و در کشورهای حاشیه خلیج فارس به فروش می‌رسد. آمار و ارقام نشان می‌دهد که هفتاد درصد از کتابهای چاپ شده در این خطه، توسط انتشارات لبنانی به چاپ می‌رسد. اهمیت مطبوعاتی و انتشاراتی بازار لبنان به گونه‌ای است که شرکت مؤسسات انتشاراتی آن در هر یک از نمایشگاههای کتاب منطقه‌ای و عربی، تضمین کننده موفقیت آن نمایشگاه تلقی می‌گردد.

دهه پنجاه و شصت، دهه‌های بحرانهای سیاسی و به دنبال آن، باز شدن و پیوستن جوامع عربی به یکدیگر و اوج کودتاها و شکل گیری ایدئولوژیهای جوراجور عربی و قومی و ملی است. لذا جای شگفتی نبود که هژمونی فرهنگی و فکری جهان عرب نیز توسط مصر ناصری اداره گردد، اما با بروز جنگ داخلی در لبنان و تغییر سیاستهای داخلی و خارجی مصر و تحولات رفته بر عراق، رفته رفته



دهه شصت تأسیس شده و متشکل از ششصد مؤسسه انتشاراتی رسمی و دارای پروانه معتبر است، تقریباً در کلیه امور فنی مربوط به نیازها و مشکلات این صنف نظارت دارد و این تعاون صنفی در سالهای اخیر به علت مشکلات به وجود آمده در سطح لبنان، به میزان زیادی کاسته

شده است؛ به طوری که اعضای آن دلسرد شده و کمتر به آن دل بسته اند و هر مؤسسه انتشاراتی به طور مستقل خود تلاش دارد مشکلات خود را حل کند و به اصطلاح گلیم خود را از آب بکشد. بنیانگذار اولیه اتحادیه، مصطفی فتح الله، مدیر انتشارات الکشاف بود و پس از وی فؤاد حبیش، مدیر انتشارات المکشفوف عهده دار اتحادیه شد و در ادامه، بهیج عثمان که یکی از سهامداران انتشارات دارالعلم للملایین است، عهده دار اتحادیه شد و پس از آن نیز یحیی الخلیل، بنیانگذار انتشارات الحیة، ریاست اتحادیه را عهده دار شد که تاکنون در این سمت باقی مانده است.

بازار کتاب و انتشارات، چون بسیاری از شغل‌های دیگر، از آفات و تقلباتی برخوردار است و لبنان در کنار اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس) و سنگاپور، یکی از مراکز مهم تقلب و تزویر و پامال کردن حق التألیف دیگران شده است. عدم حضور جدی نهادهای قانونی و دولتی حکومت لبنان و چه بسا نبودن قوانینی در خصوص دفاع از مؤلف و ... بر دامنه فاجعه افزوده است؛ به گونه ای که نویسندگان پیوسته نگران هستند که مبادا کتابشان با نام جعلی ناگهان از بازار کتاب سر برآرد و نتیجه تلاشهایش یک شبه چون دودی به هوا بلند شود.

در خصوص بحران مطالعه که این کشورها، از جمله لبنان، دچار آن شده اند، باید به نقش منفی انبوه رادیو و تلویزیونهای موجود اشاره کرد به حدی که هر کس به طور مفید بیش از پنج تا شش ساعت خود را در پای برنامه های جوراجور آن صرف می کند و دیگر حوصله و وقتی برای مطالعه - که نیازمند آرامش فکری و تأمل است - نمی ماند.

ترینی، آن هم برای دکور منازل و اتاقها و دفاتر کار خود استفاده می کنند. طی یک نظرخواهی جدید که توسط روزنامه الحیة انجام گرفته است، اکثریت قریب به اتفاق مردم عراق به نان خود می اندیشند تا مطالعه. این مورد در سوریه نیز صدق می کند؛ چرا که به علت گرانی کتاب،

کسی قادر به تأمین نیازهای معنوی خود نیست. ثانیاً اکثریت نسل جوان و تحصیل کرده آن، در بی هویتی فرهنگی بسر می برند و فروش ناچیز نمایشگاه بین المللی کتاب دمشق، حاکی از این سرخوردگی است. البته اردن و مصر، وضعیتی بهتر دارند و علت آن وجود انگیزه های قوی مذهبی و رگه های پرنفوذ دینی و احزاب سیاسی - مذهبی - آنهاست. و اگر مشاهده می شود که جنبش کتابخوانی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از رونقی برخوردار شده است، جدای از دو عامل شکوفایی اقتصادی و احیای جنبش مذهبی و دینی در دهه اخیر نیست.

با تمام این تفصیلات، در میان مجموعه کشورهای عربی، نباید خط جدیدی را که رنگ مذهبی دارد و به علت سرعت در حال شکل گیری و توسعه و نفوذ در میان نسل جوان کتابخوان است، فراموش کرد. در مثل می توان به رویکرد قشر کتابخوان مردم این خطه به اسلام انقلابی - که نمونه روشن آن را می توان در نمایشگاه کتاب قاهره و میزگردهای جانبی آن مشاهده کرد - و فروش غیر قابل باور کتابهای مذهبی که تفسیر جدیدی از اسلام دارند (به عنوان مثال کتابهای استاد شهید مطهری و مرحوم دکتر شریعتی) اشاره کرد.

بحران مطالعه یک آفت فرهنگی است، ولی بنا به متغیرات و شرایط خاص اجتماعی - اقتصادی از فراز و نشیب برخوردار است. بنابراین عراق نخواهد بود اگر بگویم که در کنار بیروت، تهران، پایتخت تألیف و صدور کتابهای مذهبی به کل منطقه عربی شده است، بر خلاف دهه هفتاد که ایران، هم مرکز مطالعه و هم مرکز نشر بود.

قابل ذکر است که در لبنان، وزارت فرهنگ وجود ندارد، بلکه وزارت تبلیغات، عهده دار امور مربوط به موضوع کتاب و چاپ است و اتحادیه ناشرین لبنانی که در